

بررسی تطبیقی الهیات عملی در اسلام و مسیحیت با تکیه بر اندیشه‌های آیت‌الله جوادی آملی

امید آهنگی*

چکیده

ادیان الهی به دنبال راهنمایی پیروان خود، جهت تعالی زندگی دنیوی و اخروی و دست‌یافتن آنان به حیاتی ارزشمند و کارآمد هستند. در سنت مسیحیت، الهیات عملی در پی مواجهه با مسائل روزمره زندگی آدمیان با رویکرد الهیاتی است تا از این رهگذر به الهیات تحول‌آفرین دست یابد. از سوی دیگر اسلام با توجه به ویژگی‌های خاص خود، همواره در ابعاد اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و غیره، توصیه‌ها و دستورالعمل‌هایی داشته‌است؛ اما این ظهور اجتماعی دین، دچار فراز و نشیب‌هایی در طول تاریخ شده است. هدف از این نوشتار مقایسه الهیات عملی در مسیحیت و اسلام با تکیه بر اندیشه‌های آیت‌الله جوادی آملی است. روش تحقیق، توصیفی-تحلیلی است. در میان آثار آیت‌الله جوادی آملی می‌توان گفت که کتاب مفاتیح‌الحیات به بهترین نحو ممکن نماینده الهیات عملی اسلامی است؛ چراکه اولاً این کتاب آینه حق‌محوری در تدبیر نظام اجتماعی با سه عنصر جهان‌دانی، جهان‌داری و جهان‌آرایی است؛ ثانیاً موضوعات مورد بحث در این کتاب به نحوی است که از یک‌سو اشاره به معضلات زندگی بشر معاصر دارد و از سوی دیگر به تمامی شبکه زندگی انسان توسعه یافته است و شامل تبیین و تحلیل چگونگی تعامل انسان با خود، با هم‌نوعان، با نظام سیاسی-اجتماعی حاکم، با حیوانات و در نهایت با محیط زیست است. با بازخوانی کتاب

* استادیار مرکز معارف اسلامی و علوم انسانی، دانشگاه صنعتی شریف. (ahanchi@sharif.ir)

مقاله علمی پژوهشی (تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۷/۱۸؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۹/۲۳).

مفاتیح الحیات از منظر الهیات عملی می‌توان به الهیاتی تحول‌آفرین دست یافت که قدرت تولید راهبرد، برنامه، فرآیند و حتی محصول را دارد. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که مولفه‌های الهیات عملی اسلامی از منظر آیت‌الله جوادی آملی، ابتناء بر زندگی توحیدی، جهان‌شمولی و جاودانگی، مشاهده حیات همه مراتب موجودات و در نهایت هماهنگی میان عقل و نقل در الهیات عملی اسلامی است.

کلیدواژه‌ها: الهیات عملی، آیت‌الله جوادی آملی، مفاتیح الحیات.

مقدمه

هدف اصلی ادیان الهی از یک سو ایجاد نظام ارزشی جدید و از سوی دیگر ایجاد تغییر در رفتارها و اعمال آدمیان براساس نظام ارزشی جدید است. پیامبران آمده‌اند تا به انسان‌ها در دو حوزه نظر و عمل کمک و یاری رسانند تا هم با نظام ارزشی مبتنی بر توحید آشنا شوند و هم این منظومه فکری را در تعاملات چهارگانه خود با خدا، انسان‌های دیگر، خودشان و محیط پیرامونشان به کار بندند. انسان‌ها از رهگذر چنین تغییراتی در حوزه نظر و عمل می‌توانند به تعالی، قرب الهی و حیات طیبه دست یابند.

از نتایج دستیابی به چنین حیاتی، اصلاح نظام دنیوی و اخروی آنان می‌باشد. اصلاحی که به عقیده پیروان ادیان الهی از هیچ راهی به جز تبعیت و عبودیت نسبت به آموزه‌های دینی ممکن نخواهد بود. (جوادی آملی، ۱۳۸۹ الف: ۲ / ۴۱۹-۴۲۰؛ همو، ۱۳۸۹ ب: ۶ / ۵۰۴؛ همو، ۱۳۸۸ الف: ۱۲ / ۸۶؛ همو، ۱۳۸۹ ج: ۱ / ۲۰۳؛ همو، ۱۳۸۸ ب: ۳ / ۳۹۵-۳۹۴؛ همو، ۱۳۸۴ الف: ۱۷۳-۱۷۲) در دین اسلام و خصوصاً مکتب تشیع، این عبودیت و تبعیت از آموزه‌های دینی، در پی بهره‌مندی صحیح از عقل حاصل می‌شود؛ (جوادی آملی، ۱۳۸۸ ج: ۷ / ۲۷۵؛ همو، ۱۳۸۹ ه: ۲۳۱-۲۳۲؛ همو، ۱۳۸۴ ب: ۱۲۲؛ همو، ۱۳۸۹ د: ۴۲۰) چراکه عبودیت و تبعیت بدون پشتوانه عقلی در مکتب تشیع ممدوح نمی‌باشد. (جوادی آملی، ۱۳۸۸ د: ۱۱۹) بنابراین همه ادیان الهی (فارغ از تحریفات ناصواب بشری) به دنبال راهنمایی پیروان خود، جهت تعالی زندگی دنیوی و اخروی و دست یافتن آنان به حیاتی ارزشمند و کارآمد می‌باشند.

الهیات عملی واژه‌ای است که اخیراً در سنت مسیحیت و به منظور ظهور بیشتر دین در عرصه‌های اجتماعی مطرح شده است؛ اما دین اسلام با توجه به ویژگی‌های خاص خود، همواره در ابعاد اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و ... توصیه‌ها و

دستورالعمل‌های کارآمدی داشته است.

توجه به الهیات عملی در جوامع به صورت کلی و در جوامع اسلامی به صورت خاص می‌تواند از یک سو ظرفیت‌های عملی ادیان در صحنه زندگی روزمره انسان‌ها را نمایان سازد و از سوی دیگر سکولاریسم را در مدیریت زندگی انسان دیندار نفی نماید. همچنین به این وسیله می‌توان استدلال‌های کلامی و فلسفی مبنی بر کارآمدی دین در تمامی عرصه‌ها را به منصفه ظهور رساند.

از این رو لازم است جوامع اسلامی به نحو مطلوبی با مفهوم الهیات عملی مواجه شوند. یکی از ویژگی‌های مطلوب بودن مواجهه با این مفهوم، دقت در شباهت‌ها و تفاوت‌های مفهوم الهیات عملی در مسیحیت و اسلام است تا سیاستگذاران فرهنگی - دینی بتوانند با بهره‌مندی از این تفاوت‌ها و شباهت‌ها و توجه به اقتضائات جوامع اسلامی، طرحی نوین برای دستیابی جوامع اسلامی به الهیات تحول‌آفرین در اندازند.

بنابراین با دقت به این نکته که توجه به مفهوم الهیات عملی باعث افزایش ضریب نفوذ دین در عرصه زندگی آدمیان می‌شود؛ پرداختن به این مفهوم در دنیای معاصر لازم و ضروری است. از سوی دیگر در میان اندیشمندان معاصر، آیت الله جوادی آملی یکی از چهره‌های شاخص و تاثیرگذار در این زمینه می‌باشند؛ لذا بررسی آراء ایشان و بهره‌مندی از آنها برای تسری دین در جوامع بشری امری ممدوح و ارزشمند است. ایشان در آثار مختلف خود به این موضوع پرداخته‌اند؛ اما در کتاب مفاتیح الحیات به صورت روشن در خصوص رابطه تمدن و تدین بشری سخن به میان آورده‌اند؛ لذا در این نوشتار در پی دستیابی به شباهت‌ها و تفاوت‌های الهیات عملی در مسیحیت و اسلام با تکیه بر اندیشه‌های آیت‌الله جوادی آملی با نگاه ویژه به کتاب

مفاتیح الحیات می‌باشیم.

بر اساس جستجوهای صورت گرفته، در خصوص بررسی تطبیقی الهیات عملی در مسیحیت و اسلام به صورت کلی و همچنین با تکیه بر اندیشه‌های آیت‌الله جوادی آملی به صورت خاص هیچ پژوهشی صورت نگرفته است؛ اما در خصوص الهیات عملی کارهای پژوهشی ارزشمندی به صورت محدود^۱ انجام شده است. بنابراین بررسی و پژوهش در این حوزه لازم و ضروری است.

مسئله اصلی مقاله مقایسه الهیات عملی در مسیحیت و اسلام از منظر آیت‌الله جوادی آملی است. مسائل فرعی این نوشتار نیز بدین شرح است: تعریف الهیات عملی در مسیحیت چیست؟ نحوه شکل‌گیری الهیات عملی در مسیحیت چگونه بوده است؟ این مفهوم به چه نحوی در سنت اسلامی وجود داشته است؟ مراحل و مولفه‌های الهیات عملی از منظر آیت‌الله جوادی آملی چیست؟ و در نهایت رویکرد آیت‌الله جوادی آملی نسبت به الهیات عملی، منجر به ارائه چه راه‌حل‌های الهیاتی شده است؟

تعریف الهیات عملی در سنت مسیحیت

ارائه توصیف و تعریفی جامع و مانع از برخی مفاهیم مانند الهیات عملی بسیار دشوار است؛ چرا که از این مفهوم با رویکردهای مختلف و در زمینه‌های گوناگون بهره برده شده است و در سیر تاریخی خود واجد معانی متفاوتی شده است.

برخی معتقدند که الهیات عملی شاخه‌ای از الهیات مسیحی است که بر لوازم زندگی

۱. در آمدی بر الهیات عملی در اندیشه دینی مدرن، حبیب‌الله بابایی، نقد و نظر، بهار ۱۳۹۰، سال شانزدهم، شماره یک؛ در آمدی بر الهیات عملی و وظایف آن، حبیب‌الله بابایی، آئینه پژوهش، خرداد و تیر ۱۳۹۱، شماره ۱۳۴.

مدرن و روزمره آدمیان در رابطه با باورهای الهیات مسیحی متمرکز می‌شود. اینان در پی روشن نمودن تاثیر باورهای مسیحیان بر رفتارهای انسان مدرن هستند. الهیات عملی در این رویکرد، کاربرد حقایق الهیاتی در حیات انسانی است. اینان معتقدند الهیات مسیحی تنها مطالعه مواردی چون مسیح شناسی، تثلیث و ... نیست؛ بلکه باید کاربرد این باورها در زندگی روزمره افراد جامعه را روشن گرداند. بدین جهت الهیات عملی ناظر به مطالعاتی است که در آن باورهای دینی با دغدغه‌های انسان معاصر در هم آمیخته شده تا شاهد الهیات تحول‌آفرین باشیم. (Woodward, 2000: 12-14)

از منظری دیگر الهیات عملی عنوان یک رشته دانشگاهی است که صرفاً بر اعمال دینی متمرکز می‌شود و تلاش می‌کند رابطه اعمال دینی با باورهای الهیاتی را استخراج نماید. فارغ التحصیلان این رشته علاوه بر دستیابی به الهیات مرسوم مسیحیت، آموزش می‌بینند که در عمل، کشیشان خوبی باشند؛ ارتباط مطلوب و موثری با مردم برقرار نمایند و آنان را به نحوی درخور با الهیات و مناسک مسیحیت آشنا نمایند. رویکرد اخیر به دنبال کارآمد کردن سمیناریست‌ها در انجام تکالیفشان می‌باشد. (Maddox, 1991 : 160)

شلایر ماخر در قرن نوزدهم، الهیات مسیحی را به سه دسته الهیات تاریخی، الهیات فلسفی و الهیات عملی تقسیم نمود. او معتقد بود رسالت الهیات تاریخی تبیین باورهای دینی در کلیسا و بیان آموزه‌های حضرت عیسی است. الهیات فلسفی عهده‌دار دفاع از باورهای مسیحیان است و الهیات عملی از نظر او ابزاری جهت توانمندسازی کشیشان جهت انجام بهتر وظایفشان است. از منظر ماخر عموماً مفهوم الهیات عملی ناظر به عملکرد نهاد کلیسا در جامعه مانند وعظ، انجام مناسک، نحوه

تبلیغ مبلغان، مدیریت و اداره کلیسا است. او معتقد است دین لزومی به ورود در عرصه زندگی شخصی مسیحیان ندارد؛ اما لازم است تا عملکرد مبلغان مسیحی را ارتقا بخشد. (Heitink, 1999: 3-5)

پس از مآخر متفکران دیگری تلاش نمودند تا مفاهیم الهیاتی را به نحو بیشتر و موثرتری در زندگی روزمره مسیحیان وارد نمایند تا آنان دین خود را جدای از عملکرد روزانه خود نبینند. یکی از افراد تاثیرگذار در این راستا، ریچارد اسمر است. او معتقد است مسیحیت علاوه بر نقش آفرینی در فعالیت‌های کلیسا، لازم است در زندگی روزمره متدینان و حتی غیرمتدینان بروز و نمود پیدا کند تا در پی این بروز و نمود، دین در صحنه زندگی فردی و اجتماعی نقش موثری ایفا نماید. براین اساس قلمرو الهیات عملی، «شبکه زندگی انسان» است و نه صرفاً «نهادهای دینی». (بابایی، ۱۳۹۰: ۱۱۲) او در سال ۲۰۰۸ با نوشتن کتاب مقدمه‌ای بر الهیات عملی، فصلی جدید در این باب را گشود.

از منظر اسمر الهیات عملی چهار رسالت دارد:

۱. رسالت توصیفی: در این بخش از الهیات عملی صرفاً به توصیف و جمع‌آوری اطلاعات از آنچه در زندگی روزمره مومنان و غیرمومنان می‌گذرد می‌پردازند؛ مانند این که: افراد چگونه فرزندان خود را تربیت می‌کنند؟ چگونه به کلیسا می‌آیند؟ چگونه ازدواج می‌کنند؟ و ... این رسالت مقدمه‌ای بسیار ضروری برای شروع کنش‌گری ارباب کلیسا در زندگی افراد جامعه است؛ زیرا تا زمانی که اطلاع درستی از چگونگی رفتار افراد جامعه در دسترس نباشد، امکان تحلیل، تفسیر و یا تجویز وجود ندارد.

۲. رسالت تحلیلی: در این مرحله به دنبال تبیین علت رفتارهای آدمیان هستند. در این رسالت به دنبال دست یافتن به پاسخ سوالهایی مانند این می‌باشند: چرا مردم بدین نحو خاص، فرزندان خود را تربیت می‌کنند؟ چرا پایبندی مردم به انجام مناسک دینی و آمدن به کلیسا کم شده است؟ چرا طلاق زیاد شده است؟ چرا ازدواج سفید رایج شده است؟ اهمیت این جنبه از الهیات عملی این است که تا روشن نشود که چرا مردم چنین می‌کنند، بی‌گمان امکان تغییر رفتار آنان وجود ندارد.

۳. رسالت هنجاری: در این جنبه به این سوال پاسخ می‌دهند که در مساله‌ای مشخص، رفتارهای افراد جامعه چگونه باید باشد. به بیان دیگر، چه رفتاری از منظر دینی رفتار درست و چه عملکردی عملکرد نادرست است. در جنبه هنجاری تمرکز بر این که «در جامعه چه می‌گذرد» وجود ندارد؛ بلکه توجه به این مطلب معطوف است که با توجه به اصول و ضوابط الهیاتی، «در جامعه چه باید بگذرد».

۴. رسالت تجویزی: مهمترین بخش الهیات عملی که دین را به عنوان عنصری تحول آفرین در جامعه تبدیل می‌کند، رسالت تجویزی آن است؛ چراکه در این مرحله تلاش می‌کند با ارائه راهبردهایی، افراد و جامعه را از وضع موجود به وضع مطلوب راهنمایی کند تا بدین وسیله هدف پیامبران و خداوند متعال در سطح جامعه تجلی یابد و دین در صحنه زندگی انسان‌ها وارد شود. (Osmer, 2008 : 32-89)

از تامل در مراحل چهارگانه فوق روشن می‌شود؛ الهیات عملی رویکردی کاملاً میان رشته‌ای دارد. به عنوان مثال در رسالت توصیفی که عهده‌دار مساله‌شناسی و رصد جامعه می‌باشد، نیازمند انجام پژوهش‌های میدانی و بهره‌مندی از نظرات متخصصان این حوزه است؛ بنابراین متولیان الهیات عملی برای دستیابی به اهداف

خود لازم است از تخصص‌های گوناگون مانند جامعه‌شناسی، روان‌شناسی، مدیریت، اقتصاد و ... بهره گیرند.

بستر تاریخی شکل‌گیری الهیات عملی در مسیحیت

با نظر به تاریخ تحولات مسیحیت و سیر آن مشخص می‌شود که اربابان کلیسا در قرون وسطی به دنبال سیطره کامل بر نهادهای اجتماعی بوده‌اند تا بتوانند به زعم خود به انحصارگرایی مطلق مسیحیت در جامعه دست پیدا کنند. اما با شروع رنسانس و تحولات سریع و شگرف در پیشرفت‌های علمی و البته شروع گرایش‌های فلسفی و فکری تجربه‌گرا، مسیحیت در موضع انفعال قرار گرفت. (علی‌خانی، ۱۳۹۵: ۸۸-۸۹ و ۹۴-۹۵) آهسته آهسته جایگاه کلیسا در زندگی انسان مدرن تضعیف شد و مسیحیت نقش خود را در زندگی روزمره آدمیان از دست داد. نتیجه چنین تحولاتی این بود که انسان الهی قرون وسطی به یک انسان زمینی که اعتقادی به نجات‌بخشی دین ندارد تبدیل شد.

در چنین فضایی متفکران مسیحی برای جلوگیری از به‌انزوا کشیده شدن مسیحیت از نیمه دوم قرن ۱۸ و خصوصاً اوایل قرن ۱۹ به فکر چاره افتادند تا بتوانند دین را همچنان در صحنه اجتماع نگه دارند. عملکرد شلایرماخر نمونه‌هایی از این تلاش است. او با ارائه تقسیم‌بندی جدید از الهیات مسیحی و افزودن الهیات عملی به آن تلاش نموده تا به بازسازی رابطه میان مردم و مبلغان مسیحی همت گمارد. از سال ۱۹۷۰، الهیات عملی به عنوان یک گرایش و رشته تحصیلی معرفی شد و آموزش‌های رسمی تحت این عنوان با هدف موثر نمودن ارتباط بین مبلغان و مردم آغاز شد. بنابراین ظهور مفاهیمی مانند الهیات عملی در مسیحیت، برای ورود ایمان مسیحی به زندگی روزمره افراد جامعه بوده است.

الهیات عملی در سنت اسلامی

دین اسلام از ابتدا با توجه به مختصات خود، در عین حالی که به اصلاح رابطه بین انسان و خدا توجه داشته است؛ از اصلاح رابطه بین انسان‌ها غفلت نورزیده است. اسلام با نگاه جامع به همه روابط انسانی در پی اصلاح و تعالی این روابط بوده است. بخشی از آموزه‌های دین اسلام ناظر به مباحث نظری است و بخشی دیگر نحوه اعمال پیروان خود را مد نظر قرار داده است تا در پی این توجه دوگانه به اصلاح فرد و جامعه دست یابد. (جوادی آملی، ۱۳۸۸ هـ: ۱۲۶ و ۲۱۴؛ همو، ۱۳۸۷ الف: ۷۶؛ همو، ۱۳۸۷ ب: ۲۳۸-۲۳۷)

البته همانطور که روشن است واژه الهیات عملی، مفهومی است که در بستر مسیحیت متولد شده و در سنت اسلامی با چنین واژه‌ای روبرو نبوده‌ایم؛ بنابراین لازم است از افراط و تفریط نسبت به این مفهوم پرهیز شود. افراط در این زمینه ناظر به پذیرش بدون تحلیل نسبت به همه آن چه که در سنت مسیحی نسبت به مفهوم الهیات عملی گفته می‌شود است و تفریط آن نیز به معنای رد نمودن بدون بررسی چنین مفهومی است. بنابراین شایسته است متفکران مسلمان با تحلیل مفاهیم این چنینی به نفوذ هر چه بیشتر تعالیم اسلامی در جوامع دست یابند.

پس از شرح مختصری از مختصات الهیات عملی در سنت مسیحیت، به منظور دستیابی به اهداف این نوشتار، بایسته است به مراحل الهیات عملی در اسلام و مولفه‌های آن با تکیه بر آثار آیت‌الله جوادی آملی اشاره گردد. مطالب مرتبط با الهیات عملی در بسیاری از آثار ایشان به صورت پراکنده مطرح شده است؛ اما به طور خاص

می‌توان رویکرد ایشان نسبت به الهیات عملی و همچنین آثار و نتایج این رویکرد را در کتاب مفاتیح الحیات مشاهده نمود؛ بدین جهت ابتدا به صورت گذرا به ساختار کتاب مفاتیح الحیات اشاره خواهیم نمود و پس از آن به مراحل الهیات عملی اسلامی که در این کتاب مطرح شده است، خواهیم پرداخت.

ساختار کتاب مفاتیح الحیات

مفاتیح الحیات، در پی ارائه کلیدهایی برای دستیابی به زندگی متعالی توحیدی است. این کتاب به دنبال این است که با بهره‌مندی از منابع عقلی و نقلی، اصول، مبانی و همچنین فروعاتی که منجر به معنابخشی به زندگی انسان معاصر در جنبه‌های مختلف اخلاقی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی است را استنباط و استخراج نماید. آیت الله جوادی آملی مباحث خود در این کتاب را به نحوی سامان داده است که انسان مدرن معاصر با عمل به آنها در همه عرصه‌های فردی و اجتماعی رشد یافته و به حیات طیبه دست یابد.

مفاتیح الحیات را می‌توان جلد دوم مفاتیح الجنان دانست؛ (جوادی آملی، ۱۳۹۱: ۳۸) چرا که در مفاتیح الجنان عمده توجه، معطوف به راه سلوک بندگان و نحوه ارتباط انسان با خدا از طریق انجام اعمال عبادی در سه بخش نماز، دعا و زیارت است؛ اما توجه آیت الله جوادی آملی در مفاتیح الحیات معطوف به اصلاح شئون دنیوی و به ویژه امور اجتماعی آدمیان با بهره‌مندی کامل از کتاب و سنت در کنار عقل برهانی است. بدین جهت آموزه‌های این کتاب تنها ناظر به اصلاح رابطه انسان با خدا نیست؛ بلکه تمامی مناسبات و تعاملات انسان با خود، جامعه، محیط زیست و حتی نظام‌های اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و ... مد نظر قرار گرفته است.

این کتاب در پنج بخش سامان یافته است: بخش اول به تعامل انسان با خود اختصاص یافته است. مولف در این بخش در پی تبیین و ارائه راه حل‌های الهیاتی برای موضوعات فردی است؛ به عنوان مثال می‌توان به آداب دینی در خصوص مصادیق تفریحات سالم و ناپسند و یا آداب سفر و اهمیت آن از منظر اسلام اشاره نمود. (جوادی آملی، ۱۳۹۱: ۲۰۹ - ۶۸)

مولف در بخش دوم به تعامل انسان با هموعانش پرداخته است. هموعان نیز به شش دسته خویشاوندان، همکیشان، بیگانگان، مستضعفان، دشمنان و شهروندان تقسیم شده‌اند؛ چرا که تعامل با هر کدام آداب و اقتضائات خاص خود را دارد. (جوادی آملی، ۱۳۹۱: ۴۳۱ - ۲۱۱)

بخش سوم به تعامل مردم با نظام اسلامی اختصاص یافته است. توجه عمده این بخش به نظام سیاسی، نظام اجتماعی، شهرسازی و نحوه اداره شهرها و در نهایت به امور اقتصادی معطوف است. مولف گرانقدر در بخش سوم به بهترین نحو ممکن اخلاق هنجاری حق‌محور و توحیدی را در عرصه اجتماع به منصفه ظهور می‌گذارند. مسائلی که در این بخش مطرح شده است از قبیل حدود آزادی معقول، اهمیت استقلال جوامع اسلامی و نفی پذیرش ذلت، لزوم مشارکت سیاسی، اهمیت تبری از ظالمان و لزوم قیام در برابر ظالم، اهمیت مشورت در امور و ویژگی‌های مشاور مطلوب، کتمان حقیقت و شهادت ناصواب، امر به معروف و نهی از منکر، اهمیت امانتداری در جوامع و همچنین آثار سودرسانی به بندگان خدا می‌باشد. (جوادی آملی، ۱۳۹۱: ۶۴۱ - ۴۳۳)

بخش چهارم کتاب در خصوص روش‌های تعامل انسان با حیوانات از منظر

توحیدی سخن می‌گوید. در این بخش به روش‌های بهره‌گیری ممدوح و مذموم از حیوانات پرداخته شده است. همچنین به حقوق حیوانات و وظایف انسان در قبال آنها اشاره شده است. (جوادی آملی، ۱۳۹۱: ۶۸۸ - ۶۴۴)

بخش پنجم و پایانی کتاب نیز به تبیین نحوه تعامل انسان با محیط زیست از منظر توحیدی اختصاص یافته و از منظر الهیات اسلامی به موضوعاتی مانند درختکاری، فضای سبز، نهرها، دریاها، جاده‌ها و گردشگری پرداخته شده است. در انتهای کتاب نیز به سنت‌های رایج در ایران مانند نوروز، چهارشنبه سوری و شب یلدا با نگاه توحیدی پرداخته شده و اثر زمین و زمان بر رخدادها از منظر عقل و نقل مورد بررسی قرار گرفته است. (جوادی آملی، ۱۳۹۱: ۷۴۳ - ۶۹۰)

مراحل الهیات عملی از منظر آیت الله جوادی آملی

از منظر آیت الله جوادی آملی برای «تدبیر نظام اجتماعی بر اساس حق‌مداری» لازم است سه مرحله مهم و کلیدی در نظر گرفته شود. با توجه به این که تدبیر نظام اجتماعی بر اساس حق‌مداری را می‌توان تعبیری دیگر از الهیات عملی از منظر آیت الله جوادی آملی دانست؛ بنابراین سه مرحله ذیل را می‌توان به عنوان مراحل الهیات عملی از منظر ایشان عنوان نمود.

مرحله اول جهان‌دانی است؛ این مرحله عهده‌دار تبیینی صحیح از جهان هستی و مختصات آن است. در این مرحله شناخت درست نسبت به آنچه در عالم در حال وقوع است حاصل می‌شود.

مرحله دوم جهان‌داری است. در این مرحله عناصری که برای اداره جهان و برقراری روابط صحیح در عرصه اجتماع لازم است تبیین می‌شود تا مدیریتی لایق در

حوزه روابط اجتماعی انسانها برقرار شود.

مرحله سوم جهان‌آرایی است. این مرحله ناظر به تلاش‌هایی است که بتواند دو مرحله قبل را در حیطه اجتماعات انسانی مقبول و مورد پذیرش نماید تا نتایج عملی دو مرحله پیش‌گفته در سطح فرد و جامعه نمایان شود. (جوادی آملی، ۱۳۹۱: ۴۴-۴۳)

نکته درخور توجه این است که جهان‌داری متکی بر جهان‌دانی است؛ چرا که مواد نظام‌بخش مدیریت، برگرفته از مبانی کشورداری است و آن مبانی از منابع جهان‌دانی که ریشه اصلی آن معرفت و حیانی و شاخه‌های کاشف آن، عقل برهانی و نقل معتبر است استنباط می‌شود که اگر غیر از این باشد هوامداری به جای حق‌مداری می‌نشیند و هوس‌محوری جای عقل و عدل‌محوری را اشغال خواهد کرد. (جوادی آملی، ۱۳۹۱: ۴۳)

از منظر آیت‌الله جوادی آملی فن تمدنیابی و جریان مدیریت جامعه، عهده‌دار تبیین حقوق ناسوتی و اهداف آفرینش اشیاء و اشخاص است. عقل و نقل می‌توانند جایگاه حقیقی موجودات در نظام هستی را روشن نمایند و همچنین حقوق و روش بهره صحیح از آنها را بیان کند. ایشان معتقدند که لازم است حق‌مداری در آیینه سیاست، اجتماع، اقتصاد، فرهنگ و مانند آن جلوه نماید و کتاب مفاتیح الحیات عهده‌دار تبیین چنین جلوه‌هایی است. (جوادی آملی، ۱۳۹۱: ۴۲) البته این سخن به معنای نفی لزوم تبیین حق‌مداری در عرصه‌های دیگر نیست و عملکرد فن عرفان (ارزیابی ظاهر و مظهر جهان هستی) و فن فلسفه و کلام (بررسی واجب و ممکن، اعم از امکان ماهوی یا فقری) در جای خود ارزشمند و لازم است.

مولفه‌های الهیات عملی اسلامی از منظر آیت‌الله جوادی آملی

به منظور بررسی تطبیقی الهیات عملی در مسیحیت و اسلام و همچنین فهم ارکان

این مفهوم از منظر آیت الله جوادی آملی، در ادامه به مهمترین مولفه‌های الهیات عملی از منظر ایشان اشاره خواهد شد. مولفه‌های عنوان شده مواردی هستند که الهیات عملی اسلامی را از الهیات عملی در سنت‌های دیگر متمایز می‌سازد.

۱. الهیات عملی اسلامی؛ مبتنی بر زندگی توحیدی

نگاه توحیدی به معنای پذیرش و اعتقاد قلبی به این اصل است که کل نظام هستی از هستی محضی که ضرورت وجود از ذات اوست، نشأت گرفته است و تنها اراده خداوند است که در کل نظام هستی حاکم است و جز او مؤثری در عالم وجود ندارد. (جوادی آملی، ۱۳۸۲: ب: ۳۴؛ همو، ۱۳۸۷: د: ۲۵۵) در نگاه توحیدی اکتفای به توحید در خالقیت نمی‌شود؛ زیرا مشرکان نیز از آن برخوردارند (جوادی آملی، ۱۳۸۹: ب: ۳۶۷)؛ بلکه اصل اساسی در این نگاه، پذیرش توحید افعالی و حاکمیت اراده الهی بر تمام هستی است.

پذیرش نگاه توحیدی و فهم معنای توحید افعالی، عاملی مهم در ارتقاء رفتارهای انسان در حوزه‌های اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و ... می‌باشد. وجود چنین نگاه عمیقی می‌تواند عامل مهمی برای تمایز میان نگاه‌های مختلف به الهیات عملی باشد.

۲. جهان‌شمولی و جاودانگی الهیات عملی اسلامی

از ویژگی‌های دین اسلام و در نتیجه از مولفه‌های الهیات عملی آن، جهان‌شمولی و جاودانگی آن است. جهان‌شمولی دین اسلام با دو اصل کلیت و دوام، خود را نمایان می‌سازد؛ به بیان دیگر اسلام با تاکید بر همگانی و همیشگی بودن خود، بیان می‌دارد که در تمامی جنبه‌ها اعم از اعتقادی، فقهی و اخلاقی برای تمامی اعصار و همه آدمیان سخن دارد تا انسان‌ها بتوانند در تمام شئون خود از تعالیم اسلامی و شیعی بهره‌مند شوند. (جوادی آملی، ۱۳۹۱: ۵۱-۵۰)

راز چنین ادعایی در این مطلب نهفته است که اصول جامع و مبانی کلی دین به وسیله عقل و نقل (که کاشفان معتبر از حکم الهی هستند) ارائه می‌گردد و بدین وسیله قدرت تحلیل، تعلیل، توجیه و استنباط مسائل خاص و فروع جزئی در نهان انسان به ودیعه نهاده شده است. خداوند برای شکوفایی ذخایر فطری انسان و آثاره دینه عقل خدادادی آنها، پیامبران را ارسال نموده است تا حوزه حیات وی را در سه بخش محلی، منطقه‌ای و بین‌المللی سامان بخشد. (جوادی آملی، ۱۳۹۱: ۵۰) نتیجه چنین سامان بخشی، معمور نمودن زمین و زمان با بهره مندی از دو بال عقل و نقل است.

راز جاودانگی اسلام نیز در چند امر نهفته شده است. از منظر آیت الله جوادی آملی یکی از این امور وجود و توصیه به دو نوع اجتهاد در دین اسلام است. اجتهاد اول همان است که در حوزه‌های علمیه و در میان مجتهدان فن فقه و اصول رایج است. اینان طی سالیان متمادی به ملکه استنباط دست می‌یابند و با مجموع دو حرکت که یکی از مطلوب به مبدأ معلوم و دیگری از آن مبدأ به نتیجه مقصود است اجتهاد می‌نمایند. مجتهدان بدین روش احکام الهی را با نور عقل و نقل فهمیده و سپس به عمل در آورده و برای دیگران نیز تبیین می‌نمایند. این اجتهاد اصلی‌ترین سنخ اجتهاد است. (جوادی آملی، ۱۳۹۱: ۵۲)

اجتهاد نوع دوم از جنس موضوع پروری و اجرایی است و رنگ و بوی تقنینی ندارد؛ بدین جهت از تیررس بدعت منحوس در امان است و غبار سنت شکنی بر آن نمی‌نشیند. اجتهاد نوع دوم اولاً مشروعیت قانونی خود را از اصول عقلی و مبانی نقلی اخذ می‌کند و ثانیاً با دقت در اقتضائات فرد و جامعه تلاش می‌کند تا به صورت کاربردی (جهان‌داری)، مقبول جامعه (جهان‌آرایی) باشد تا در پی این مقبولیت در

زندگی آحاد مردم ساری و جاری باشد. در چنین شرایطی حضور دین در حیطه‌های فردی و اجتماعی بروز و نمود پیدا می‌کند. (جوادی آملی، ۱۳۹۱: ۵۳)

نمونه‌های این عملکرد را می‌توان در هفته وحدت، روز جهانی قدس، روز هوای پاک و روز درختکاری مشاهده نمود. امور فوق از سنخ اجتهاد نوع دوم هستند که با کارشناسی نخبگان و فرهیختگان هر فن و رشته‌ای پس از احراز اصل مشروعیت و قانونی بودن آن و بعد از بررسی موضوع شناسانه همه‌جانبه، استنباط و اعلام می‌گردد. (همان)

امکان تحقق هر دو نوع از اجتهادهای عنوان شده، اولاً به سبب وجود منابع غنی در اسلام و ثانیاً به جهت تشویق به استنباط مبانی قویم از آن منابع سرشار و ثالثاً ترغیب به استخراج مواد فقهی، حقوقی، اخلاقی، فرهنگی، اجتماعی، نظامی، درمانی، اقتصادی و ... نهفته است. (جوادی آملی، ۱۳۹۱: ۵۱)

۳. مشاهده حیات همه مراتب موجودات در الهیات عملی اسلامی

مهمترین نکته مبنایی برای ورود دین در عرصه اجتماع این است که انسان مدرن معاصر لازم است رویکرد «کوشش برای زنده شدن و زنده ماندن» را به «جوشش برای مشاهده زندگی همه موجودات» بدل نماید؛ (جوادی آملی، ۱۳۹۱: ۵۹) چراکه تنها در این صورت است که جایگاه حقیقی خود، مردمان دیگر و موجودات دیگر در نظام هستی را به‌خوبی در می‌یابد. این جهان‌دانی که نتیجه پذیرش حیات در همه موجودات اعم از انسان، حیوان، گیاه و جماد است می‌تواند مقدمه‌ای موجه و کارآمد برای جهان‌داری و جهان‌آرایی واجد مقبولیت عام باشد. بنابراین پیام اصلی کتاب مفاتیح الحیات صرفاً گشودن راه زندگی متمدنانه و متدینانه بشر نیست؛ بلکه رسالت اصلی آن گشودن راز مُهر شده جایگاه هر چیزی است که از هستی سهمی دارد،

هرچند ظاهراً جامد و خاموش است. (جوادی آملی، ۱۳۹۱: ۵۸)

بدین سبب می‌توان گفت مفاتیح الحیات گام‌های فراوانی در سامان بخشی زندگی انسان معاصر نسبت به آنچه تحت عنوان الهیات عملی در سنت مسیحی عنوان شده است، برداشته است. همان طور که در سطور پیشین عنوان شد، هدف مسیحیان از طرح الهیات عملی تلاش برای ورود دین به زندگی انسان معاصر بود؛ اما رویکرد اصلی کتاب مفاتیح الحیات و الهیات عملی اسلامی، تعالی زندگی آدمیان در همه ابعاد زندگی دنیوی و اخروی است که یکی از نتایج دست یافتن به چنین زندگی متعالی، سامان بخشی به ابعاد مختلف زندگی در دنیا است.

۴. هماهنگی عقل و نقل در الهیات عملی اسلامی

هماهنگی میان عقل و نقل یکی از اساسی‌ترین و شاید مهمترین ویژگی الهیات اسلامی از منظر آیت الله جوادی آملی است و نتیجه پذیرش این هماهنگی، دستیابی به جهان‌دانی، جهان‌داری و جهان‌آرایی بی‌بدیلی است که گوی سبقت را از تمامی مدعیان ربوده است؛ چرا که با در نظر نگرفتن هر کدام از این دو بال، پرواز آدمی و دستیابی به حیات طیبه، تعالی فردی و اجتماعی و ظهور تمدن در آینه تدین با خدشه‌ای جدی روبرو خواهد شد.

هماهنگی عقل و نقل در حوزه نظری و عملی بدین معنا است که در آموزه‌های قطعی نقلی هیچ گزاره خرد ستیزی وجود ندارد. به این اصل در آثار فراوانی از آیت الله جوادی آملی اشاره شده است. (جوادی آملی، ۱۳۸۹: ۱۱۷؛ همو، ۱۳۸۹: ۸۵-۸۳؛ همو، ۱۳۸۷: ج: ۱۳۲-۱۳۱)

از منظر آیت الله جوادی آملی جامعه ایمانی مأمور است که محیط زندگی خود را با نور عقل و نقل و با استمداد از دو نوع اجتهاد یاد شده معمور کند؛ چرا که تنها راه

تحقق تمدن ناب، ظهور آن در آینه تدین است. جایگاه ویژه عقل در هندسه معرفت بشری در اندیشه آیت الله جوادی آملی بسیار رفیع و بی‌بدیل است. بنا بر اندیشه حکمای شیعی، حجت معتبر در دین اسلام که به هر یک از آنها می‌توان اعتماد نمود؛ کتاب، سنت قطعیه و عقل صریح است. (طباطبایی، ۱۳۸۲: ۴۲-۴۱) بدین جهت قرآن کریم نه تنها عقل را از اعتبار نینداخته، بلکه معقول هم نیست که چنین کند؛ زیرا اعتبار قرآن و کلام خدا بودن آن و حتی وجود خداوند به وسیله عقل برای آدمیان ثابت شده است. (طباطبایی، ۱۳۷۱: ۶/۱) علامه طباطبایی معتقدند یکی از مهمترین اهداف دین این است که مردم به کمک استدلال و با سلاح منطق به شناخت حقایق جهان ماورای طبیعت نایل آیند. (طباطبایی، ۱۳۷۹: ۲۰-۱۹)

قرآن کریم در تعلیمات خود برای رسیدن و درک نمودن مقاصد دینی سه راه را قرار داده است: اول ظواهر دینی؛ دوم حجت عقلی و سوم درک معنوی (طباطبایی، ۱۳۸۳: ۷۸) بنابراین هماهنگی عقل و نقل و توجه به جایگاه درک معنوی یکی از مهم‌ترین قواعدی است که با بهره‌گیری از آن می‌توان به جهان‌آرایی موجه و معقولی دست یافت که اقبال انسان مدرن معاصر را در پی داشته باشد.

آیت الله جوادی آملی معتقدند اگر نقل معتبر «ما انزله الله» است؛ عقل برهانی نیز «ما الهمه الله» است. بنابراین نقل معتبر و عقل برهانی دو منبع معرفت دینی و هر کدام بال و وصول انسان‌ها به شناخت حقایق دینی هستند. (جوادی آملی، ۱۳۸۶: ۱۳) از منظر ایشان عقل مانند نقل، حجت دینی است و این دو (عقل و نقل) منبع معرفت دینی به شمار می‌روند. عقل و نقل کاشف اراده الهی هستند؛ بنابراین با توجه به اعتبار عقل و نقل و پذیرش حجیت دینی این دو، دیگر سخن افرادی که معتقد به تفکیک

میان فلسفه الهی و عرفان ناب از کتاب و سنت هستند، سخن صوابی نیست. البته شاید رونده این راهها، اشتباه کند و مسلک را درست نیپیماید؛ ولی خطای سالک غیر از بطلان مسلک است. مانند اینکه اشتباه فقیه، سند ناصواب بودن راه فقه نمی‌باشد؛ بنابراین خطای عالم دلیل بطلان آن علم و فن نمی‌باشد. (جوادی آملی، ۱۳۸۶: ۱۶)

نکته درخور توجه این است که از منظر آیت الله جوادی آملی عقل در همگان یکسان نیست؛ زیرا مردم از لحاظ خردورزی همتای یکدیگر نیستند. «برخی از صاحبان خرد خود را در معرض ادله معتبر نقلی قرار می‌دهند و با تعلیم کتاب و حکمت و تزکیه نفس از نعمت اثاره دفائن عقول برخوردار می‌شوند و با عقل اثاره شده به سراغ ادله نقلی می‌روند و متقابلاً اثاره دفائن نقول را به عهده می‌گیرند». (جوادی آملی، ۱۳۸۶: ۵۳) از منظر ایشان اثاره دفائن نقلی، مطالب نغز و دلپذیری است که اصولیان طی اجتهاد نوع اول از نصوص دینی استنباط می‌کنند.

تعامل میان عقل و نقل که توضیح آن در سطور پیشین گذشت، یکی از مهمترین ویژگی‌های الهیات عملی اسلامی و خصوصاً شیعی است که راه را برای توصیف، تحلیل، فهم هنجارهای اجتماعی و در نهایت تجویز راهبرد برای حل معضلات اجتماعی هموار می‌نماید. بدین جهت علمای شیعه می‌توانند به نحوی چشمگیر در زندگی روزمره انسان مدرن وارد شده و با ارائه آرایش جدیدی از مباحث الهیاتی که ناظر به حل مسائل انسان معاصر باشد، به الهیاتی تحول‌آفرین دست یابند.

الهیات عملی اسلامی و ارائه راه‌حل‌های الهیاتی

ازمهمترین نتایج توجه به مفهومی مانند الهیات عملی، ترویج رفتارهای فردی و

اجتماعی مبتنی بر دین است. جهت ترویج چنین رفتارهایی لازم است جنبه تجویزی الهیات عملی و ارائه راه‌کارهای عملیاتی مبتنی بر آموزه‌های دینی، بیش از گذشته مد نظر قرار گیرد. البته این سخن به معنای غفلت از جایگاه مباحث نظری نمی‌باشد؛ چراکه در چارچوب الهیات اسلامی با توجه به هماهنگی کامل میان عقل و نقل، به خوبی می‌توان نشان داد که الهیات عملی بر اصول متقن و استوار نظری متکی است. بنابراین هدف از طرح مفهوم الهیات عملی، بی‌توجهی به مبانی نظری الهیات نیست؛ بلکه سخن در بیشینه کردن نقش تحول‌آفرینی دین در ساحت اجتماع است.

با توجه به نکات عنوان شده و پس از تامل در کتاب مفاتیح الحیات و دیگر آثار آیت الله جوادی آملی با موارد فراوانی از این راه‌کارهای عملیاتی مواجه می‌شویم که در ذیل به جهت اختصار تنها به بیان چهار مورد از آنها بسنده می‌نماییم.

یکی از مواردی که آیت الله جوادی آملی به ارائه راه‌حل‌های الهیاتی برای حل معضلات فردی و اجتماعی می‌پردازد؛ اشاره به حدیثی از امیرالمؤمنین علیه‌السلام در خصوص نعمت‌های الهی است. ایشان از حضرت علی علیه‌السلام نقل می‌کنند که حضرت فرمودند: خدا بندگان دارد که برای سودرسانی به بندگان خدا نعمت‌ها را به آنها اختصاص می‌دهد، پس مادامی که آن را به دیگران می‌بخشد نعمت‌ها را در دستشان باقی می‌گذارد (و از آنها سلب نمی‌کند) و هرگاه آن را از دیگران باز دارند از آنان می‌ستانند و به دیگران می‌دهد. (جوادی آملی، ۱۳۹۱: ۵۳۳) ناگفته پیداست که ترویج چنین تفکری که نمود اخلاق توحیدی در ساحت اجتماع است؛ شاه‌کلید حل بسیاری از معضلات و مشکلات اجتماعی است؛ چراکه اگر افراد، توانایی‌ها و دارایی‌های خود را اولاً از جانب خداوند بدانند و ثانیاً هدف خداوند از اعطا نعمت به خود را، سودرسانی به بندگان به حساب آورند، بخش عمده‌ای از ناهنجاری‌های

اجتماعی حل می‌شود و عدالت در جامعه محقق می‌گردد.

به عنوان نمونه دیگر می‌توان به ذکر فرمایشی منسوب به حضرت علی علیه السلام در خصوص راه‌کاری برای تربیت جوانان و جلوگیری از ستیزه‌جویی آنان اشاره کرد. مولف در این باره به این سخن متمسک می‌شوند که: هرگاه جوانی را سرزنش می‌کنی؛ راهی برای وی جهت برون‌رفت از خطایش باز بگذار تا به ستیزه‌جویی وادار نشود. (جوادی آملی، ۱۳۹۱: ۳۹۶) این رویکرد که در الهیات اسلامی به صورت متعدد ذکر شده است اشاره به یک نظام تربیتی صحیح دارد که اجرای آن می‌تواند به عنوان یک راه‌حل الهیاتی برای تربیت جوانان در دنیای مدرن مد نظر قرار گیرد.^۱

حل مسأله‌گذاری و تکدی‌گری می‌تواند به عنوان یکی از راه‌حل‌های الهیاتی برای زدودن چهره شهرهای اسلامی از این پدیده نامیمون مطرح شود. مولف محترم کتاب مفاتیح الحیات نیز با بیان ادله عقلی و نقلی در پی آن است تا با بررسی و تبیین مبانی و همچنین پیامدهای تکدی‌گری (اعم از پیامدهای دنیوی و اخروی؛ مانند فقر، حقارت، ذلت و همچنین طولانی شدن حسابرسی قیامت) و همچنین وظایف مسلمانان در مقابل تکدی‌گری، راه حلی به روز و متناسب با شان جوامع اسلامی ارائه نماید. (جوادی آملی، ۱۳۹۱: ۵۶۰ - ۵۵۵)

برقراری عدالت اجتماعی همواره به عنوان یکی از مهمترین اهداف الهی در سطح جامعه مطرح بوده است. بدین منظور لازم است راه‌حل‌های الهیاتی به منظور توزیع عادلانه منابع در جامعه مد نظر قرار گیرد. آیت الله جوادی آملی معتقدند می‌توان از

۱. البته در نوشتاری مستقل می‌توان تمامی موارد این چنینی در تربیت جوانان که در کتاب شریف مفاتیح الحیات و دیگر آثار آیت‌الله جوادی آملی ذکر شده است را جمع‌آوری، دسته‌بندی و تبیین نمود تا در پی این تلاش‌ها به منظومه تربیتی توحیدی از منظر الهیات اسلامی و شیعی دست یافت.

انفاق (اعم از زکات واجب و صدقات مستحب و دیگر وجوه شرعی)، وقف، نذر، هبه و توزیع دولتی به عنوان راه حل‌های الهیاتی برای دستیابی به توزیع عادلانه منابع نام برد. (جوادی آملی، ۱۳۹۱: ۶۲۴)

بنابراین با توجه به ویژگی‌های منحصر به فرد الهیات اسلامی، اندیشمندان اسلامی می‌توانند با بهره‌مندی از قالب‌های مطلوب و مناسب و دیگر مزایای الهیات عملی و همچنین استفاده از محتواهای ارزشمند اسلامی، به طرحی نوین در حوزه کاریست دین در عرصه اجتماع دست یابند. این الهیات عملی اسلامی می‌تواند منجر به تولید راهبرد، برنامه، فرآیند و حتی محصول شود. بی‌گمان توجه متفکران اسلامی به این موضوعات می‌تواند زمینه مناسبی برای تجلی دین در عرصه اجتماع و همچنین ایجاد بستری مناسب برای مطالعات بین رشته‌ای فراهم نماید.

نتیجه‌گیری

الهیات عملی در پی مواجهه با مسائل روزمره زندگی آدمیان با رویکرد الهیاتی است تا از این رهگذر به الهیات تحول‌آفرین دست یابد. مساله اصلی این پژوهش متمرکز بر یافتن شباهت‌ها و تفاوت‌های الهیات عملی اسلام با الهیات عملی مسیحیت با تکیه بر آراء آیت‌الله جوادی آملی است. در اثناء مقاله روشن شد که مولفه‌های الهیات عملی اسلامی از منظر ایشان، ابتناء بر زندگی توحیدی، جهان‌شمولی و جاودانگی، مشاهده حیات همه مراتب موجودات و در نهایت هماهنگی میان عقل و نقل است. ۲۷ مراحل سه‌گانه تحقق الهیات عملی نیز از منظر آیت‌الله جوادی آملی جهان‌دانی، جهان‌داری و جهان‌آرایی است. با توجه به نکات عنوان شده می‌توان به شباهت‌ها و تفاوت‌های الهیات عملی در مسیحیت و اسلام از منظر ایشان دست یافت. از سوی دیگر در میان آثار آیت‌الله جوادی آملی می‌توان کتاب مفاتیح الحیات را که آینه

حق محوری در تدبیر نظام اجتماعی است را از حیث انتخاب موضوعات، روش تحلیل آنان و همچنین نتایج حاصل شده، به نحو مطلوبی نماینده الهیات عملی اسلامی دانست؛ چراکه موضوعات مورد بحث در این کتاب به نحوی است که اولاً اشاره به معضلات زندگی بشر معاصر دارد و ثانیاً به تمامی شبکه زندگی انسان توسعه یافته است و شامل تبیین و تحلیل چگونگی تعامل انسان با خود، با هم‌نوعان (اعم از خویشاوندان، مسلمانان، اهل کتاب، مشرکان و دشمنان)، با نظام سیاسی- اجتماعی حاکم (اعم از موضوعات مرتبط با امنیت اجتماعی، آزادی انسانها، مشارکت‌های سیاسی و اجتماعی، ضرورت عدالت، تعاون و همیاری، سیمای شهر اسلامی و مباحث مرتبط با امور اقتصادی)، با حیوانات و در نهایت با محیط زیست می‌باشد. آیت الله جوادی آملی به دو نوع اجتهاد که مکمل یکدیگرند معتقد است. اجتهاد اول همان است که در حوزه‌های علمیه رایج است؛ اما اجتهاد دوم صبغه موضوع‌پروری داشته و به حوزه اجرا معطوف است و نه به حیطه تقنین. اجتهاد نوع دوم (که البته بر نوع اول استوار است) کاملاً راه را بر الهیات عملی باز خواهد نمود که نتایج آن را می‌توان در مفاتیح الحیات به وفور مشاهده نمود. آیت‌الله جوادی آملی راز پویایی و مانایی اسلام در صحنه زندگی آدمیان را، اولاً داشتن منابع غنی، ثانیاً تشویق به استنباط مبانی قویم از آن منابع سرشار و ثالثاً ترغیب به استخراج موضوعات و مسائل فقهی، حقوقی، اخلاقی، فرهنگی، اقتصادی، نظامی و ... از آن مبانی استوار می‌داند؛ در این صورت است که تمدن جامعه اسلامی در آینه تدین او ظهور می‌نماید.

منابع

۱. بابایی، حبیب الله (۱۳۹۰)، «درآمدی بر الهیات عملی در اندیشه دینی مدرن»، نقد و نظر، بهار ۱۳۹۰، سال شانزدهم، شماره ۱، ۱۰۹-۱۳۵.
۲. جوادی آملی، عبد الله (۱۳۸۴ الف)، حیات حقیقی انسان در قرآن، اسراء، قم.
۳. _____ (۱۳۸۴ ب)، تفسیر انسان به انسان، اسراء، قم.
۴. _____ (۱۳۸۶)، منزلت عقل در هندسه معرفت دینی، اسراء، قم.
۵. _____ (۱۳۸۷ الف)، حکمت علوی، اسراء، قم.
۶. _____ (۱۳۸۷ ب)، مبادی اخلاق در قرآن، اسراء، قم.
۷. _____ (۱۳۸۷ ج)، دین شناسی، اسراء، قم.
۸. _____ (۱۳۸۸ الف)، تسنیم، جلد دوازدهم، اسراء، قم.
۹. _____ (۱۳۸۸ ب)، ادب فنای مقربان، جلد سوم، اسراء، قم.
۱۰. _____ (۱۳۸۸ ج)، ادب فنای مقربان، جلد هفتم، اسراء، قم.
۱۱. _____ (۱۳۸۸ د)، اسلام و محیط زیست، اسراء، قم.
۱۲. _____ (۱۳۸۸ ه)، حق و تکلیف در اسلام، اسراء، قم.
۱۳. _____ (۱۳۸۹ الف)، تسنیم، جلد دوم، اسراء، قم.
۱۴. _____ (۱۳۸۹ ب)، تسنیم، جلد ششم، اسراء، قم.
۱۵. _____ (۱۳۸۹ ج)، ادب فنای مقربان، جلد اول، اسراء، قم.
۱۶. _____ (۱۳۸۹ د)، جامعه در قرآن، اسراء، قم.
۱۷. _____ (۱۳۸۹ ز)، انتظار بشر از دین، اسراء، قم.
۱۸. _____ (۱۳۸۹ و)، تسنیم، جلد هفدهم، اسراء، قم.
۱۹. _____ (۱۳۸۹ ه)، امام مهدی موجود موعود، اسراء، قم.
۲۰. _____ (۱۳۹۱)، مفاتیح الحیات، اسراء، قم.
۲۱. طباطبایی، سید محمد حسین (۱۳۸۲)، شیعه، موسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران، تهران.
۲۲. _____ (۱۳۸۳)، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم.
۲۳. _____ (۱۳۷۱)، المیزان فی تفسیر القرآن، المجلد الاول، اسماعیلیان، قم.
۲۴. _____ (۱۳۷۹)، علی علیه السلام و فلسفه الهی، مطهر، تهران.

۲۵. علی‌خانی، اسماعیل (۱۳۹۵)، «کلیسای کاتولیک و جهان مدرن»، جاویدان خرد، بهار و زمستان ۱۳۹۵، شماره ۲۹، ۱۱۰ - ۸۵.

26. Osmer, Richard Robert (2008), Practical Theology: An Introduction, Eerdmans, Michigan.
27. Maddox, Randy L. (1991), "Practical Theology: A Discipline in Search of a Definition", Perspectives in Religious Studies, 18, 2, pp 159- 169.
28. Woodward, James, Pattison, Stephen (2000), the Blackwell Reader in Pastoral and Practical Theology, Wiley-Blackwell, Hoboken.
29. Heitink, Gerben (1999), Practical theology: History, Theory, Action Domains (Studies in Practical Theology), Eerdmans, Michigan.